دومین جشنواره تئاتر رادی برگزار می‌شود

مؤسسه فرهنگی، هنری اکبر رادی با همکاری وزارت ارشاد و نهادهای فرهنگی، هنری و اجتماعی، دومین دوره جشنواره تئاتر اکبر رادی را از ۲۷ تا ۳۰ آذرماه ۱۳۹۸ در فرهنگسرای سرو برگزار می‌کند و آن طور که مهر خبر داده، از کارگردانان و نمایشنامه‌نویسان تئاتر دعوت شده که بر اساس تعدادی از آثار اکبر رادی، نمایشنامه‌ای به صورت مونولوگ نوشته و در روزهای برگزاری جشنواره به صحنه بیاورند.

حراج میمون‌های پارلمان بریتانیا

بنکسی، هنرمند انگلیسی و کارهای عجیبش معرف حضورتان هست؛ یکی از آثار او که اعضای پارلمان بریتانیا را به شکل شامپانزه تصویر کرده، در حراجی ساتبیز عرضه شده است. ایسنا این خبر را به نقل از گاردین نوشته که نقاشی «پارلمان واگذارشده» بزرگ‌ترین تابلوی نقاشی روی بوم بنکسی محسوب می‌شود و برای اولین بار در لندن نمایش داده می‌شود.

سپتامبر سیاه در جغرافیای سه‌گانه رنج

این روزها مصادف است با سالگرد سه رویداد ننگین در رابطه با فلسطین؛ سه سپتامبر به فاصله دوازده سال

گروه ادبیات و هنر

برای فلسطینی‌ها، سپتامبر، ماه نیست و هیچ رنگ و بویی از صورت زیبا را آن‌گونه که از ماه سراغ داریم به یادشان نمی‌آورد. برای آنها سپتامبر، سیاه است، ماهِ رنج است، ماه زشتی و پلشتی.

عجیب است که در تاریخ مظلومیت فلسطین، این ماه، با سه رویداد ننگین برای قدرت‌دوستان جهان، چنین بر فراز آسمان سیاهی‌ها ایستاده است. همین سپتامبر که در خیلی از نقاط جهان، جشن است، سالروز فلان شادی و سالروز فلان سرور است، در فلسطین، فقط سالمرگ است و سالمرگ. فقط داغ دل است و خم پیشانی.

سه شمایل شرم برای صهیونیست‌ها، سه تاریخ ظلم بر فلسطینی‌ها. سه جغرافیای ننگ برای صهیونیست‌ها، سه جغرافیای جور بر فلسطینی‌ها. ابتدا سپتامبر ۱۹۷۰ که به‌تنهایی کافی بود تا اصطلاح «سپتامبر سیاه» زاده شود؛ وقتی که یاسر عرفات ایستاد روبه‌روی ملك حسین و هزاران فلسطینی به خاك افتادند. دومی، سپتامبری دیگر، هشت سال بعد، وقتی انورسادات مصری بالاخره زهرش را ریخت و دستش را گذاشت در دست آمریکا و اسرائیل و عهدنامه ننگین کمپ‌دیوید را امضا کرد تا رژیم صهیونیستی به عنوان کشور به رسمیت شناخته شود و سرآخر سپتامبر ۱۹۸۲ که دو اردوگاه صبرا و شتیلا برای سه روز شد پایتخت رنج جهان. این بار به انتقام آمده بودند و می‌گویند ۳۵۰۰ فلسطینی در این دو اردوگاه اردنی شهید شدند. این روزها سالروز این سه تاریخ در پهنه دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی است هر چند برای فلسطینی‌ها، رنج، پهنای یك دهه و دو دهه‌ای ندارد، آنها خود تاریخ رنج‌اند.

سپتامبر ۱۹۷۰
کشتار فلسطینی‌ها در جنگ داخلی اردن

شکست جنبش فتح

یاسر عرفات، همیشه مرد عجیبی بود؛ کسی که هوادارانش شبانه به محل برگزاری مهم‌ترین رویداد ورزشی یعنی المپیك شبیخون بزنند و اسرائیلی‌ها را به گروگان بگیرند، چیزی فراتر از سیاست را نمایندگی می‌کند. هر کاری که او می‌کرد چنین وجهی از چندگانگی را به نمایش می‌گذاشت. شانزدهم سپتامبر ۱۹۷۰ اما برای او، روز خوبی در نوار زمان مبارزاتش نبود. او با سازمان متبوعش یعنی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به نیروهای مسلح اردن حمله برد اما از این روز تا ژوئیه سال بعد، فلسطینی‌ها بسیاری از نظامیان و غیرنظامیان خود را از دست دادند. جنبش فتح پس از نبرد با اسرائیلی‌ها که به نبرد کرامه معروف شد، قدرت یافته بود و حالا آمده بود سر وقت ملك حسین و اردن. جنگ چریك‌های فلسطینی و نظامیان اردنی هر چند پس از دو روز با توافق ملك حسین و عرفات بر سر آتش‌بس پایان یافت اما تا ژوئیه ۱۹۷۱ که پادشاه اردن دستور اخراج تمام اعضای فتح و سازمان آزادی‌بخش فلسطین از کشور اردن صادر کرد و ارتش اردن آنها را به زور به داخل خاك سوریه روانه ساخت، تلفات و خسارات عظیمی بر فلسطینیان وارد آمد. فقط حدود ۳۵۰۰ فلسطینی که بسیاری غیرنظامی بودند، کشته شدند. نبرد مسلحانه در ژوئیه ۱۹۷۱ پایان یافت و یاسر عرفات و رفقایش به لبنان نقل مکان کردند.

در کتاب‌های مختلفی به ماجرای سپتامبر ۱۹۷۰ در اردن اشاره شده اما تاکنونی کتاب مستقلی در این باره به فارسی تالیف یا ترجمه نشده است. عجیب است، رویدادی که با این وجوه مختلف دراماتیك که حتی می‌تواند دستمایه ادبیات داستانی و نمایشی قرار بگیرد، تاکنون به رمان، نمایشنامه، فیلم و گونه‌های دیگر ادبی و هنری وارد نشده است.

سپتامبر ۱۹۷۸
ثبت پیمان کمپ‌دیوید

از واشنگتن تا میانه

چندوقتی پیش از این‌که سینه سپر کند و با جیمی کارتر و مناخیم بگین آن تصویر ننگین را از واشنگتن دی سی آمریکا بدوزد به دل معاصر، مذاکرات در کمپ دیوید بر پا بود. انور سادات مصری را می‌گوییم که پیش‌قدم شد تا پیمان کمپ دیوید در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ به امضا برسد؛ پیمانی که اولین پیمان صلح میان طرفین جنگ اعراب و اسرائیل بود که به صلح میان مصر و اسرائیل انجامید. این‌گونه است که ما تا ابد انورسادات را مقصر به‌رسمیت شناختن اسرائیل می‌شناسیم. اندکی پس از امضای این توافق‌نامه، ایران انقلاب اسلامی را تجربه کرد و همین انورسادات، شاه مخلوع را در کشورش پذیرفت تا در یکی از شهرستان‌های آذربایجان شرقی مردم شعار بدهند: «این سادات دیوانه، در چهارراه میانه اعدام باید گردد». آن روز اهالی شهرستان میانه، علاوه بر اعتراضشان به رئیس جمهور مصر که شاه را به خاك کشورش پذیرفته بود، داغ کمپ‌دیوید را نیز به سینه داشتند. راستی، کمپ دیوید یکی از استراحتگاه‌های روسای جمهور ایالات متحده بود و از آنجا که مذاکرات بین کارتر و بگین و انورسادات طی دوازده روز آنجا انجام می‌شد، این پیمان ننگین به کمپ دیوید معروف شد.

اگر می‌خواهید درباره این پیمان‌نامه ننگین فیلمی ببینید که نگاه یك فیلمساز ایرانی پشت آن باشد، مستند «ساعت ۶ به وقت واشنگتن» را ببینید به کارگردانی امیرحسین نوروزی؛ روایتی از جلسه کمپ دیوید که دیدار انور سادات و مناخیم بگین را زیر ذره‌بین برده است. این مستند اخیرا از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد و از سایت این شبکه می‌توان دانلودش کرد. این فیلم مستند همچنین به شکل‌گیری اسرائیل و شیوه اشغال فلسطین هم اشاره می‌کند.

سپتامبر ۱۹۸۲
کشتار فلسطینی‌ها در لبنان

فاجعه فالانژی

سومین سپتامبر سیاه برای فلسطینی‌ها، شانزدهم این ماه بود به سال ۱۹۸۲ و این بار جغرافیای رنج به لبنان نقل مکان کرده بود؛ به دو اردوگاه پناهنده‌های فلسطینی در این کشور. پناهنده‌ها در طول جنگ داخلی لبنان به دو اردوگاه صبرا و شتیلا آمده بودند اما شبه‌نظامیان فالانژ لبنانی، همان‌ها که احمد متوسلیان را نیز ربودند، به انتقام ترور بشیر جمیل، رئیس جمهور لبنان و رهبر حزب فالانژ (معروف به کتائب) به دو اردوگاه صبرا و شتیلا در بیروت غربی وارد شدند و طی دو روز فلسطینی‌ها را به گلوله بستند. می‌گویند ۳۵۰۰ نفر از فلسطینیان در این حمله شهید شده‌اند. آن روز، ایلی حبیقه رهبر نیروهای فالانژ بود؛ کسی که بعدها حتی نماینده مجلس شد در لبنان و وزیر کابینه هم شد. تاریخ هیچ‌گاه از یاد نمی‌برد که این کشتار در محدوده تحت کنترل نیروهای دفاعی اسرائیل رخ داد. صهیونیست‌ها چه گفتند؟ چه می‌خواستند بگویند؟ گفتند فالانژی‌ها را دست‌کم گرفته بودند! سازمان ملل متحد چه کرد؟ چه می‌خواست بکند؟ طبق روال معمول محکوم کرد و آن را نسل‌کشی نامید.

درباره واقعه صبرا و شتیلا دو فیلم را به شما معرفی می‌کنیم. خودتان ببینید و قضاوت کنید که حقیقت را در کدام یك راحت‌تر می‌توان در ذهن ترسیم کرد. اولی، انیمیشن «والس با بشیر» که آری فولمن کارگردان اسرائیلی آن را سال ۲۰۰۸ ساخت بر اساس خاطراتش از وقایع کشتار صبرا و شتیلا. فولمن در آن زمان یك سرباز وظیفه در ارتش اسرائیل بود که بر حسب اتفاق در بیرون از اردوگاه‌های پناهندگان صبرا و شتیلا مستقر شده بود. فیلم حتی در خود اسرائیل مخالفانی داشت. عده‌ای می‌گفتند این فیلم از سربازان اسرائیلی چهره‌ای مثبت ترسیم کرده و آنها را آدم‌هایی به تصویر کشیده که از آنچه اتفاق می‌افتد عذاب می‌کشند، غافل از این‌که در نهایت بار مسؤولیت اخلاقی این کشتار از دوش آنها برداشته نخواهد شد.

فیلم دوم، مستند «۲۰۰۰ تروریست» است که اسمیتس من آن را درباره این واقعه ساخته. این مستند را می‌توانید از سایت شبکه مستند دانلود کنید.

عطف

نگاهی به کتاب «امیر کوستوریتسا»

چیزی شبیه اتفاقات کمدی فیلم‌ها

کیکاووس زیاری
سینمای جهان

شاید از هیچ فیلمسازی مثل امیر کوستوریتسا در فرودگاه یك کشور خارجی شبیه یك پادشاه یا رئیس جمهور استقبال رسمی نکرده باشند! اما مطالعه کتاب «امیر کوستوریتسا» که به‌تازگی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی و در تیراژ هزار نسخه منتشر شده، پرده از این موضوع کمیك برمی‌دارد. این اتفاق واقعی هم دقیقا شبیه اتفاقات کمدی و خنده‌آوری است که در فیلم‌های این فیلمساز مسلمان سارایوویی رخ می‌دهد. با این حال، گرچه فیلم‌های این هنرمند اهل اروپای شرقی لحن و بیانی کمدی و شوخ دارند، اما به طرح موضوعاتی اساسی درباره زندگی در یوگسلاوی سابق می‌پردازد.

دینا ایوردانووا، نویسنده کتاب به این نکته اشاره می‌کند که فیلم‌های کوستوریتسا بینندگانش را به دو گروه موافق و مخالف تقسیم کرده که هر دو گروه در موضعگیری در برابر فیلمساز، به یك اندازه پرخاشگر و سازش‌ناپذیرند. تنها نقطه اشتراك دو گروه درباره کوستوریتسا این است که احساساتشان به این کارگردان کاملا جدی است. نویسنده در ۲۷۰ صفحه کتابش، در کنار معرفی فیلمساز و ساخته‌هایش تلاش سختی می‌کند تا نقطه‌نظرات این دو گروه را مورد بحث و بررسی و نقد قرار دهد.

امیر کوستوریتسا در بین دوستداران سینما در ایران چهره‌ای کاملا شناخته شده است. اکثر فیلم‌های او در دوره‌های مختلف جشنواره فجر به نمایش درآمده و تماشاگران سینما و اهالی کتابخوان با شیوه و سبك کاری‌اش آشنایی دارند. همین نکته، مطالعه کتاب دینا ایوردانووا را راحت‌تر می‌کند. کتاب که مزین به عکس‌هایی از فیلمساز و فیلم‌هایش است، توسط حافظ روحانی ترجمه شده و در چهار فصل به بررسی زندگی و فعالیت‌های سینمایی کوستوریتسا می‌پردازد. مقدمه مترجم، پیش‌گفتار و موخره هم از اضافات کتاب هستند. ایوردانووا کتابش را برای انستیتوی فیلم بریتانیا آماده کرده است.

او که استاد رشته مطالعات سینمایی در دانشگاه سنت اندروی اسکاتلند و متخصص سینمای اروپای شرقی و منطقه بالکان است، سعی کرده با دیدگاهی علمی؛ تناقضات و پیچیدگی‌های سینمایی کوستوریتسا را تشریح، تفسیر و قابل درك کند. کتاب سال ۲۰۰۲ در انگلستان منتشر شد و مترجم بر این باور است که با وجود فاصله ۱۴ ساله بین انتشار کتاب اصلی و ترجمه آن، متن کتاب هنوز تازه و قابل استفاده است. واقعیت این است که کتاب دوران اوج کاری فیلمساز در دو دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد از آن، کوستوریتسا نتوانست به دوران اوج کاری‌اش برگردد. در میان فیلمسازان متعددی که در منطقه بالکان به کار و فعالیت پرداختند، نمی‌توان فیلمساز دیگری را به جز کوستوریتسا پیدا کرد که مورد توجه علاقه‌مندان سینما در سطح بین‌المللی باشد. هیچ فیلمساز دیگری را هم نمی‌توان نام برد که به اندازه او در جهان شهرت و محبوبیت داشته باشد. در ایران هم بین انبوه کتاب‌های سینمایی که هر روز منتشر می‌شود، کمتر کتابی را می‌توان پیدا کرد که به سینمای منطقه بالکان و فیلمسازان آن (و از جمله کوستوریتسا) پرداخته باشد. از این رو، مطالعه کتاب امیر کوستوریتسا می‌تواند برای خوانندگانش جذابیت‌های زیادی داشته باشد و آنها را با جنبه‌های پنهان این سینمای پررمز و راز آشنا کند. کتاب با قیمت ۱۷ هزار تومان روی پیشخوان کتابفروشی‌ها موجود است.